

Nancy Chodorow



Aghili, Rokhsare, MA of Women Studies

Tavassoli , Afsaneh (Ph.D.)

Women & Family Studies Department, Alzahra University

2019

Semester 2

972

Criticism of Feminist Theories and Movements

نانسی چودروف

متولد ۲۰ ژانویه ۱۹۴۴

جامعه‌شناس و روانکاو فمینیست که تعدادی کتاب تاثیر گذار نوشته است مانند:

بازتولید مادری، روانکاوی و جامعه‌شناسی جنسیت (۱۹۷۸)

فمینیسم و نظریه روانکاوی (۱۹۸۹)

زنانگی، مردانگی، جنسیت: فروید و فراتر از آن (۱۹۹۴)

قدرت احساسات: معنای شخصی در روانکاوی، جنسیت و فرهنگ (۱۹۹۹)

در سال ۱۹۹۶، کتاب *بازتولید مادری* توسط انجمن جامعه‌شناسی معاصر به عنوان یکی از ۱۰ کتاب با نفوذ طی ۲۵ سال گذشته انتخاب شد.

چودروف در یک خانواده یهودی متولد شده است.

تحصیلات:

- فارغ التحصیل از کالج رادکلیف (۱۹۶۶)

- دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه Brandeis (۱۹۷۵)

- همچنین در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۳ در موسسه روانکاوی سانفرانسیسکو دوره آموزش روانکاوی بالینی را گذرانده است.

او به عنوان نظریه پرداز روانکاوی فمینیستی پیشرو شناخته شده و عضو انجمن روانکاوی بین المللی بوده که در اغلب کنگره‌ها حضور می‌یابد.

او چندین سال به عنوان استاد در بخش‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی بالینی در دانشگاه برکلی گذرانیده است.

او در سال ۲۰۰۵ از دانشگاه برکلی بازنشسته و بعد از آن به آموزش روانپزشکی در دانشکده پزشکی هاروارد پرداخت.

چودروف در مقدمه کتاب *نظریه فمینیسم و روانکاوی* خودش را اینگونه معرفی می‌کند: با تکیه بر نظریه روابط اشیا، من خودم را از اکثر روانکاوان امریکایی جدا می‌دانم چرا که همیشه روانکاوی را به عنوان یک امر تفسیری (نه پزشکی و علمی) دیده‌ام و به عقیده من روانکاوی یک

علم اجتماعی است که اساس نظری دارد علیرغم اینکه به صورت تجربی وارد مطالعات زندگی ما شده است.

خود را متفاوت از بسیاری از انسان گرایان آکادمیک میداند.

چودروف معتقد است که فمینیست روانکاوانه تاریخچه نسبتاً پیچیده ای دارد و از نظر او منشای عقاید سیاسی و نظریه کارن هورنای است.

نانسی چودروف یکی از مهمترین عوامل سلطه مردانه را این می داند که پرورش کودکان بر عهده مادر است .

زنانی که مادر می شوند و مردانی که مادر، پرورش دهنده کودک، نمی شوند دخترانی به وجود می آورند که میل به مادر بودن دارند و پسرهایی به وجود می آورند که مردانگی برایشان به معنای برتری مردانه است .

بنابراین نابرابری جنسی امری جامعه شناسانه و روانشناسانه محسوب می شود نه امری طبیعی و زیست شناسانه که در هر نسل بازتولید می شود.

نتیجه اجتماعی این رویکرد و سازماندهی وظایف والدین به گونه ای است که این وظایف میان زنان و مردان تقسیم شود.

چودروف در کتاب های بعدی اش مانند مجموعه مقاله های فمینیسم و نظریه روانکاوی ، تحولات اجتماعی و تفسیر تفاوت های میان زنان مثلاً نژاد، طبقه و قومیت چندصدایی روایت های زنان و تکرار هویت های اجتماعی روانشناسانه و فرهنگی زنان را پیگیری کرده است.

پاسخ نقد ماتریالیست ها مبنی بر اینکه روانکاوی فاقد خصوصیت تاریخی و فرهنگی است.

او این بحث که تفاوت های جنسیتی همواره درگیر مناسبات مبتنی بر نابرابری هستند را پیگیری نمی کند.

جوایز: جوایز گوگنهایم برای علوم اجتماعی، ایالات متحده و کانادا

نقد نظریه چودروف

بعضی منتقدان چودروف، اطلاعات مربوط به غیبت پدر از خانه را متناقض دانسته اند؛ مثلاً کودکان دور از پدر که افزون بر مادر، با عمه ها و مادربزرگ ها زندگی می کنند، از کودکانی که تنها با مادران خود زندگی می کنند بهترند؛ لذا به جای غیبت پدر احتمالاً باید بر اضافه بار مادری به عنوان مشکل اصلی، تاکید کرد. همچنین در مورد نقش پدر در تربیت فرزندان، تحقیقات نظام

مند به قدری کم انجام شد که به جز حدس و گمان سخن چندانی برای گفتن وجود ندارد. ادعاهای کلی نگر در مورد دوره اودیپی و دوره پیش از آن و غفلت از اینکه این مراحل، به زمان و مکان خاص (دوران جدید و جوامع غربی) اختصاص دارند و نیز مبنا قرار دادن شکل واحدی از خانواده، یعنی خانواده هسته‌ای، سفید پوست و متعلق به طبقات متوسط و سرمایه دار به عنوان الگوی تمام انواع خانواده، از انتقادات دیگری هستند که بر این نظریه وارد شده است.

منابع: (در حال ویرایش)

<http://torkamon.blogfa.com/page/298.aspx>
